

## متن پرسش

با سلام احترام خدمت استاد عزیزم و آرزوی طول عمر: احتراماً مطالعه کتاب ادب خیال را تمام و در حال مطالعه ی کتاب هدف حیات زمینی انسان هستم و در راستای معارفی که از این کتاب ها تا کنون دستگیرم شده سوالاتی برایم پیش آمده است: ۱. در کتاب ادب خیال بیان نموده اید که قلب (همان بعدی از ما که دوست داشتن را با آن درک می‌کنیم) یک شعور همه جانبه دارد و قدرت دریافتش بالاتر از ساحاتی است که عقل درک می‌کند، اگر به صحنه بیاید بسیاری از نقیصه ها جبران می‌شود حال با استناد به این حقایق و هم چنین آنکه قلب همان فطرت ماست که به خوبیها گرایش دارد آیا می‌توانیم بگوئیم در مواقع تصمیم‌گیری و انتخاب بین دو یا چند موضوع موضوعی که ما به آن حس قلبی مثبت داریم و اگر آن موضوع را که انتخاب کردیم باعث شود که حال دلمان خوب شود آن موضوع، موضوع به حق تر و درست تری است نسبت به موضوعات مقابلش است؟ ۲. اگر استدلال ارائه شده در سوال اول پذیرفتنی و صحیح است پس اینکه بیان می‌شود تصمیم‌گیری احساسی امری غلط است به چه معناست؟ ۳. در کتاب هدف حیات زمینی نوشته اید که وزیدن الهام ملک به قلب مانند یک نسیم باعث ایجاد حس آرامش می‌شود ولی وسوسه ی شیطان باعث ایجاد احساس بد مانند استعلا و خشم و غیره می‌شود. آیا عکس این قضیه نیز صادق است یعنی ممکن است که وسوسه ی شیطان حس خوب بدهد و الهام ملک حس غذاب؟ اگر ممکن است در چه مواردی؟ ۴. بنا بر سوالات فوق می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد قلب ما بمشابه یک قطب نماست که همواره به سمت خیر و مقصد حقیقیمان جهت‌گیری می‌کند و اگر مطلبی در ذهن ما آمد و حس بدی ایجاد کرد یعنی آن مطلب برای ما شر است و اگر حس خوبی ایجاد کرد خیر است اگر هم توهم باشد و ما از دروغ بودن آن اطلاع نداشته باشیم با روبرو شدن با حقیقت تلخی آن را حس خواهیم کرد و فاصله می‌گیریم؟ ۵. می‌توانیم بطور کلی و به شکل یک قانون بگوئیم که هنر ما در این زندگی زمینی آنست که همواره حالمان خوب باشد و در نشاط قلبی به سر ببریم و برای برآورده کردن این مهم عقل را به میدان می‌آوریم تا هر چه بیشتر حقایق را بیابد و قلب با آنها مرتبط گردد؟ ۶. مفهوم قلب مریض چیست و تفاوت آن با قلب سلیم در چیست؟ ۷. آیا مراقبه به بدین معناست که شخصی مبتدی نباید حرفی را بشنود و یا متنی را بخواند که حال او را بد بکند؟ ۸. حب دنیا به معنی آنست که دچار این توهم شویم که دلیل حال خوب و آرامش ما پول و ثروت است به عنوان مثال کسی که نیت اش از کارکردن و پول درآوردن و کسب ثروت و خریدن خانه ی بزرگ و وسیع و اتومبیلی در خور تامين آسایش خودش و خانواده اش باشد حس لذت و حال خوب را از این هدف دنیایی تجربه خواهد کرد

ولی شخصی که می‌خواهد با نیت استعلا و برتری جویی نسبت به دیگران و خود نمایی و خریدار پیدا کردن برای خودش به کسب ثروت بپردازد این شخص بجز حس عذاب و زجر کشیدن نتیجه ای بدست نمی‌آورد و هرگز آن حس لذت و آرامشی که مطلوب اوست را درک نخواهد کرد. ۹. گرایش های غریزی مانند میل به خوردن و خوابیدن و جنس مخالف و هوس ها تماماً از جانب جسم صادر می‌شود و محل ظهور آنها در قلب نیست و اینکه ما قلبا این گرایش های غریزی را دوست داریم برای حفظ بقای جسم دنیویست است و دلیل آنکه از پر خوری منع و به حفظ عفت در اسلام تاکید می‌شود آنست که جهت قلب خود را روی این امور پست متمرکز نکنیم و منبع دریافت حس خوب در ما امور غریزی نشود. ۱۰ در اعمال عبادی به عنوان مثال وقتی برای نماز صبح بیدار نمی‌شویم یا آنکه بیدار می‌شویم ولی اراده نمی‌کنیم از بستر برخیزیم به خاطر آنست که در مقابل هوس بدن نسبت به خواب (که خوابیدن هم ذاتا چیز بدی نیست) مغلوب شده ایم و دل به لذت خواب صبح سپرده ایم نه آنکه قلب ما نماز صبح را بد بداند و حس مثبتی نسبت به آن نداشته باشد. ۱۱. به عنوان مثالی دیگر شخصی که نماز می‌خواند تا در نظر دیگران مومن و با خدا جلوه کند این شخص مطابق با خاصیت قلب نباید حس لذت و حال خوبی را در نمازش تجربه کرده باشد چون خود نمایی از وساوس شیطان چشمه می‌گردد. ۱۲. در مسئله ی روزه گرفتن کسی که در قلبش نسبت به روزه گرفتن احساس بدی دارد این حس بد او نسبت به روزه تحت تاثیر خیالاتیست که از جانب شیطان به او القا شده است و در واقع در وهم خود گرفتار است وگرنه قلب ما ذاتا روزه گرفتن را دوست دارد. ۱۳. در زمینه ی خواستگاری و ازدواج نیز اینکه گفته می‌شود شخص مقابل باید به دل بنشیند و روی هم رفته انسان بدش نیاید به دلیل این است که محبت قلبی اولیه ای که بوجود می‌آید نشان از آن دارد که یک نحوه اتحاد فطری با طرف مقابلمان داریم و اگر در آن نگاه اول از آن شخص بدمان بیاید یعنی آن شخص قسمت ما نیست.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. مواظب باشید که خود را فریب ندهید. ۲. احساس صرف، کارساز نیست باید در نسبت با شریعت الهی آن احساس معنا شود. ۳. بعضاً آری! ولی در هر حال در عمق آن نوعی تکبر نهفته است. ۴. رویهمرفته نتیجه‌ی خوبی است. ۵. حرف خوبی است. ۶. در نظر به حق یا در نظر به خود. ۷. مراقبه در نسبت با خطورات است که باید مواظب بود و سوسه‌های دنیایی ما را متأثر نکند. ۸. بقیه طلب‌تان باشد زیرا از جوابگویی به بقیه‌ی سؤالات رفقا باز می‌مانم. موفق باشید